

نمادِ فردیت «من» منطق الطیر فرید الدین عطار از دیدگاه روان شناسی یونگ

معصومه سعیدی اول نوقابی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور واحد فریمان، فریمان، ایران

چکیده

هنر و ادبیات از ابزارهای مهم اطلاعاتی برای روانکاوی محسوب می‌شود. با وجود کاستی‌ها در متون کلاسیک، مانند محدودیت‌ها در شخصیت‌پردازی، عدم پرداختن نویسنده یا مؤلف به ساختار روحی و روانی شخصیت‌ها را میتوان نام برد. با نگاه موشکافانه و نقد ظریفتر می‌توان به دریافت این گونه برداشت‌ها دست یافت. این مقاله حاوی متون کلاسیک برخاسته از ذهن هنرمند خلاق است که جایگاه بروز و ظهور خوبی برای این نوع نگرش روانکاوی است. شخصیت‌های داستانی منظومه منطق الطیر رگه‌های روانکاوی دیده می‌شود. در شخصیت‌های مقاله حاضر، به نمادِ فردیت «من» از دیدگاه یونگ در منطق الطیر عطار نیشابوری می‌پردازد. این بدان معناست که برای شناخت جنبه‌ی ناخودآگاه روان، باید تصاویر و نمادهای مربوط به آن را آشکار ساخت و خودآگاهی را در تعامل با ناخودآگاهی قرار داد. هدف روان شناسی یونگ، بررسی فرآیند روح و روان آدمیست که منجر به تحقق «خود» در فرد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: روانکاوی، شخصیت‌پردازی، منطق الطیر، فردیت «من»، یونگ، خودآگاهی، ناخودآگاهی.

مقدمه

عنوان منطق الطیر را عطار از قرآن برای کتاب مقامات الطیور خود انتخاب کرده است. شخصیت‌های کتاب از زبان حال مرغانیست که در قرآن نام آن‌ها آمده است.

منطق الطیر از همان ابتدا مورد نظر بسیاری از شاعران و اندیشمندان بوده است، چنانکه سید صادق گوهرین در مقدمه کتابش می‌نویسد: «این کتاب که عطار آن را (منطق الطیر) و زمانی (مقامات طیور) نامیده است و برخی آن را (طیور نامه) نام نهاده اند. از لحاظ لفظ و معنا در شمار دلکش‌ترین و شیوا ترین کتاب‌هایی است که از این جنس در زبان و ادبیات پارسی به جهانیان عرضه نموده است.

منطق الطیر مجموعه‌ای منظوم در قالب مثنوی عرفانیست، که لطایف حکمی، قرآنی همراه با عبارات اولیاءالحق که بهترین الفاظ زبان فارسی در آن گنجانیده شده است. «گوهرین، ۱۳۷۸: ذیل مقدمه، ۱۶-۱۷). اما مضمون اصلی این کتاب به گفته‌ی فروزانفر: «از اجتماع مرغان و جمع کردن آنها برای پیدا کردن و برگزیدن پادشاهی که برای آنها فرمانروایی کند. زیرا معتقد بودند که بدون پادشاه زندگانی کردن و آسوده زیستن و رسیدن به هدف و مقصود کاری دشوار و مشکل ساز است. «(فروزانفر، ۱۳۷۵: ۲۹۹).

طرح مسأله

در حقیقت پژوهش حاضر، سعی نگارنده بر آن است که منطق الطیر عطار نیشابوری را که سیر و سلوک جمعی و شهودی می‌باشد؛ پیش روی انسان‌های جویای حقیقت خویشتن نهاد، همچون روایتی نمادین و ساختاری روانکاوانه بر اساس روان شناسی یونگ بررسی کند. منطق الطیر بیشتر به اشعاری می‌پردازد که نماد فردیت «من» یونگی در آن وجود دارد. یعنی سوی روشن روان و پیوند آدمی با کانونی در خویشتن، به نام «من» دارد. در این جستار به این پرسش پاسخ داده می‌شود که من فردانیت تا چه اندازه در مرغان منطق الطیر نمود پیدا می‌کند؟

پیشینه پژوهش

مقام عطار نزد بزرگان تصوف و شعرای نامدار ایران بسیار ارجمند است افلاکی در مناقب العارفین آورده است که هر کس به سخنان عطار مشغول شود از سخنان حکیم مستفیض و به فهم اسرار رسد. مولانا جلال الدین محمد بلخی در غزلیات خود عطار را به بزرگی یاد می‌کند.

سید حسن سادات ناصری در مقاله نقش رهبری در منطق الطیر عطار نمود نقش هدهد راهنما به عنوان رهبر مرغان، که در حقیقت تمثیلی از خود عطار را نشان می‌دهد. ابراهام مزلو، پدر روانشناسی انسان گرا، هدهد را رهبر کنش‌گر پرندگان در مسیر رسیدن به نتیجه مطلوب که همانا رسیدن به جایگاه سیمرغ است می‌داند و نیز در پژوهش دیگری با عنوان نگاه انتقادی به ساختار داستانی منطق الطیر می‌پردازد. قدرت الله طاهری در مطالعه خود بر این باور است که عطار، چندان دقیق نکات باریک داستان نویسی را، اصول و معیارهای ساختاری بدون این فن را مراعات نکرده و نتوانسته است به حکایات خویشتن ساختاری منسجم و منطقی بدهد. شاید عطار خود بر این ضعف آگاه بوده است. عطار در پایان منطق الطیر، هشدار می‌دهد که در این اثر به دنبال زیبایی‌های شعری نباشند بلکه به معانی و اسرار نهفته در آن بنگرند. ساداتی و عادل زاده در پژوهشی با عنوان «واکاوی چهار رمز اساسی منطق الطیر و رساله الطیر» در پی آن هستند که در پژوهش، به شرح و توضیح مبانی رمز و رمزهای اساسی «هدهد» و «سیمرغ» در محتوای تمثیلی منطق الطیر عطار و «ملک مرغان» و «مرغ راوی روایت» در رساله الطیر ابن سینا می‌باشد را نشان بدهند. اهمیت این کار در رفع ابهاماتی است که در اثر تأویل سلیقه‌ای این رمزها در محتوای این رسالات تمثیلی نهادینه شده است.

مرور کوتاه بر زندگی و آثار شیخ فریدالدین عطار

«فرید الدین محمد بن ابی بکر ابراهیم اسحاق نیشابوری ملقب به فرید الدین، از شاعران بزرگ و نامدار زبان پارسی می‌باشد. او در نیمه‌ی اول قرن ششم در شادیاخ نیشابور به دنیا آمد. از ابتدا به شغل عطاری که از پدر به ارث برده بود می‌پرداخت. سپس در اثر تغییر حال در سلک صوفیان و عارفان در آمد. عطار به رسم سالکان طریقت، بخشی از عمر خود را در سفر گذراند. (عقیقی، ۱۳۹۱: جلد ۳، ۱۸۲). تخلص شعری او عطار و در عین حال لفظ فرید را به عنوان تخلص بکار برده است. عطار در مقامات عرفانی، شغل دارو فروشی خود را که لازمه‌ی آن داشتن اطلاعاتی از طب نیز بوده، حفظ کرده و در عطاری سرگرم طبابت بوده است. (صفا، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۲۱). چنانچه در کتاب «خسرونامه» ابیات زیر را در این مورد سروده است:

به من گفت ای، به معنی عالم افروز چنین مشغول طب گشتی شب و روز
 طب از بهر تن هر ناتوان ست و لیکن شعر و حکمت قوت جان ست

(خسرونامه، ۱۳۸۲: ۳۵)

الف) مروری کوتاه بر آثار عطار

تنها هشت اثر منظوم و منصور از شیخ عطار نیشابوری باقی مانده است استاد فروزانفر به موجب شمارش دقیق آثار منظوم او را ۲۹۶۴۸ بیت رسانده است. علاوه بر منطق الطیر، الهی نامه، مصیبت نامه، اسرارنامه، خسرو نامه، دیوان اشعار و مختارنامه در دست است (عقیقی، ۱۳۹۱: جلد ۳، ۱۸۲). و نیز شاعر خود در بخشی از منظومه‌ی خسرونامه‌ی خویش مثنویات خود سروده است:

مصیبت نامه که اندوه جهان ست الهی نامه که اسرار عیان است
 مقامات طیبور ما چنان ست که مرغ عشق را معراج جانست
 به داروخانه کردم هر دو آغاز چگ‌ویم زود رس‌تم ز این و آن باز
 چو خسرونامه را طرز عجب است ز طرز او که و مه با نصیب است
 جواهر نامه من بر زبان داشت ز شرح القب من جان در میان داشت

(خسرونامه، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

منطق الطیر

محمد جواد مشکور مؤلف کتاب منطق الطیر می‌نویسد: «از میان این مثنوی‌های عرفانی دل انگیز از همه مهم‌تر و شیواتر که باید آن را «تاج مثنوی‌های عطار» دانست. منطق الطیر منظومه‌ی رمزی بالغ بر ۴۴۵۸ بیت می‌باشد. موضوع آن بحث پرندگان (طیور) از زبان یک پرنده‌ی داستانی به نام سیمرغ است. مراد از طیور در اینجا سالکان راه حق و مراد از سیمرغ وجود حق است. «مشکور، ۱۳۵۳: چاپ تهران). ذبیح الله صفا مضمون این کتاب، یعنی «حرکت دسته جمعی از مرغان جهان برای یافتن سیمرغ کوه قاف و پرواز همگی آنان به سوی قاف و مسجد اقصای دل می‌باشد. نام «منطق الطیر»، قبل از عطار به وسیله‌ی «رساله‌ی الطیر» ابوعلی سینا و حرکت اصناف مرغان از کوه عقاب (الموت) و رسیدن به ملک اعظم پس از گذشتن از هفت منزل پر ترس و خطر و تحمل مشقات و ناکامی‌های بسیار ذکر شده است؛ «رساله‌ی الطیر» امام محمد غزالی که شاید سرمشق و دلیل و راهنمای عطار در سرودن منطق الطیر بوده است. «گوهرین، ۱۳۷۸: ذیل مقدمه، ۱۷). آنچه پذیرفتنی است، درباره‌ی این منظومه‌ی عالی و کم نظیر حاکی از «قدرت ابتکار و تخیل شاعر در به کار بردن رمزهای عرفانی و بیان مراتب سیر و سلوک و تعلیم سالکان است و از جمله‌ی شاهکارهای جاویدان زبان پارسی است. «(صفا، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۲۳-۳۲۴).

نگارنده در این بخش ابتدا به مرور تحلیل روان شناسی یونگ می‌پردازد؛ سپس به تحلیل شخصیت‌های پرنده‌ها در منطق الطیر از دیدگاه این روانشناس پرداخته است.

تحلیل روان شناسی یونگ

یونگ روان آدمی را به دو بخش خودآگاهی و ناخودآگاهی تقسیم می‌کند. یونگ همه ساز و کارهایی را که آگاهانه در آدمی به انجام می‌رسد، خودآگاهی می‌نامد، یعنی سوی روشن روان و پیوندی که آدمی با کانونی در خویشتن به نام «من» دارد. ناخودآگاهی نیز آن سوی تاریک و رازناک در روان آدمی را در برمی‌گیرد که از محدوده آگاهی او خارج است. (کزازی، ۱۳۷۶: ۶۰-۶۲). پورنامداریان معتقد است: «نظریه یونگ درباره وجود خودآگاهی و ناخودآگاهی در روان انسان با نظریه مُثُل افلاطونی همانندی دارد. همچنین از نظر وی تقسیم جهان به دو بخش مینوگ و گیتیک (اهورایی و اهریمنی) در اساطیر ایران، نظیر تقسیم بندی دوگانه افلاطون از عالم حقایق و عالم سایه‌ها و مجازهاست. هر دو نظریه با یونگ هماهنگ است منتهی با این تفاوت که یونگ این تقسیم بندی را از بیرون به درون انجام است؛ و آوردن چنین عالمی از ورای عالم کبیر به اعماق عالم صغیر، به معنی قرار دادن انسان در مرکز عالم است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۶). که حقیقت، «به بخش ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی یا گروهی تقسیم می‌شود.

یونگ برخلاف فروید معتقد است ناخودآگاه شخصی^۱ تنها یک لایه سطحی از روان ناآگاه را در بر می‌گیرد و خود متکی بر لایه ای عمیق تر است که نه توسط فرد کسب می‌شود و نه حاصل تجربه شخصی اوست بلکه فطری و همگانی است. ناخودآگاه از محتویات و رفتارهایی برخوردار است که زمینه روانی مشترکی را تشکیل می‌دهد و دارای هویتی فوق فردی است. از این رو، یونگ این بخش از روان ناآگاه را «ناخودآگاه جمعی»^۲ می‌نامد. «(یونگ، ۱۳۶۸: ۱۴؛ فدایی، ۱۳۸۷: ۴۲). به عبارت دیگر، ضمیر ناخودآگاه فردی در بر گیرنده رویدادها و خاطرات و آرزوهایی است که به خود فرد مربوط می‌شود اما ضمیر ناخودآگاه جمعی از میراث همه تجربیات بشر بهره می‌گیرند. (بیلسکر، ۱۳۸۷: ۷۴).

بنابراین، با وجود تمایزی که یونگ برای این دو جنبه از روان آدمی قائل است، می‌توان گفت خودآگاهی از روان ناخودآگاه جوانه می‌زند و همراه با آن و یا حتی به علیه آن به عمل می‌پردازد. (فوردهام، ۱۳۸۸: ۲۷). این بدان معنی است: «که برای شناخت جنبه ناخودآگاه روان آدمی باید تصاویر و نمادهای مربوط به آن را آشکار ساخت و خودآگاهی را در تعامل با ناخودآگاهی قرار داد. هدف روان شناسی یونگ، بررسی فرآیندی در روان انسانی است که منجر به تحقق «خود» در فرد می‌شود. در واقع یونگ، «خود»^۱ از مهم ترین الگوی تمام نظام شخصیتی می‌داند که از همه جنبه‌های هوشیار و ناهشیار تشکیل شده و به عنوان نماینده تکامل شخصیت، برای تمامی وجود شخصیت، وحدت و ثبات فراهم کرده است و می‌کوشد آن را به یکپارچگی کامل برساند.» (امینی، ۱۳۸۱: ۵۵). این وحدت و یکپارچگی به فرآیند شکل گیری فردیت می‌انجامد. روند فردیت یا تفرّد^۲ به معنا سفری متعالی از من اسیر و محدود به سوی خود وسیع و جامع به سوی یکپارچگی و پیوستگی نیروهای متضاد روان است. (ترقی، ۱۳۸۷: ۵۱).

به گفته‌ی برخی پژوهشگران، فرامن در مکتب فروید همان بخش از روان آدمی است که کنترل رفتارهای تمامی خواهانه من را بر عهده می‌گیرد و یونگ از آن به وجدان^۱ تعبیر می‌کند. (یاحقی و قائمی، ۱۳۸۶: ۲۹۴).

شایان ذکر است، یونگ در آثارش ۸ گونه شخصیت را دسته بندی کرده است: «۱- برون گرای متفکر، ۲- برون گرای عاطفی، ۳- برون گرای هیجانی، ۴- برون گرای شهودی، ۵- درون گرای متفکر، ۶- درون گرای عاطفی، ۷- درون گرای هیجانی، ۸-

^۱ . Personal Unconscious

^۲ . Collective Unconscious

^۱ . Self

^۲ . Individuation

^۱ . Conscience

درون گرای شهودی. « (هال و نوردبای، ۱۳۷۵: ۱۷۲). به عقیده نگارنده نخستین پرنده ای که در دسته برون گراها قرار داد؛ هدهد می‌باشد.

بنگرید به آغاز کتاب درباره‌ی هدهد رهبر که می‌سراید:

مرحباً، ای هدهد همدادی شده
ای بسر حد سببا سیر تو خوش
صاحبی سر سلیمان آمدی
دیورا در بند و زندان باز دار
دیورا وقتی که در زندان کنی
در حقیقت پیک هر وادی شده
با سلیمان منطق الطیر تو خوش
از تفریح تا جور زان آمدی
تا سلیمان را تو باشی راز دار
با سلیمان قصه شادروان کنی

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۳۵)

نماد فردیت (من) در اشعار منطق الطیر

در این جستار نماد فردیت (من) در منظومه منطق الطیر وجود دارد. که به گونه ای از زبان پرندگان نقل می‌شود. و همچنین از منظر روانکاو یونگ، گونه ای از شهود، مکاشفه و اشراق در خود دارد. «در تفسیر روان شناختی خود از رویاها، اساطیر و داستان‌های پیامبران و برخی افسانه‌ها و روایت‌های اساطیری به ناچار اساس کار خود را بر فرضیاتی گذاشته است که بی شباهت به فرضیات ناشی از تصور عالم مثال نیست. او از یک سو می‌پذیرد که اسطوره‌ها و نیز رویاها و تجارب روحانی پدیده‌های روانی هستند که طبیعت روح را آشکار می‌کنند؛ و از سوی دیگر برای روان انسان بخشی ناآگاه شامل ناآگاهی شخصی و ناآگاهی جمعی قایل شده است. که مانند عالم مثال به منزله حافظه جمعی و حافظه شخصی، همه خاطرات و تجربیات نوع انسان، از قدیمی‌ترین زمان‌ها و خاطرات و تجربه‌های فرد در طول زندگی است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۱۷)

به عقیده نگارنده پرندگان منطق الطیر، نماد «من» خودآگاه سالکان و عارفان که با راهنمایی و یاری هدهد، به دور از تقلید کورکورانه به گونه ای نمادین پای در چرخه‌ی کمال و فردیت می‌گذارند. شایان ذکر است: «از میان انواع پرندگان که اجتماع کرده بودند هدهد سیمت راهنمایی آنان را پذیرفت و به عنوان پیر مرشد انتخاب شد. یعنی وی، هر پرنده ای که به عذری متوسل می‌شدند با ذکر دشواری‌های راه و تمثل به شیخ صنعان، در طلب سیمرغ به حرکت می‌آورد و بعد از هفت وادی سخت و طاقت فرسا که اشاره به هفت مرحله از مراحل سلوک می‌باشد؛ بسیاری از آنان به دلایل گوناگونی از پای در آمدند و از آن همه مرغان تنها سی مرغ بی بال و رنجور باقی ماندند که به حضرت سیمرغ راه یافتند و در آنجا بعد از کلی سختی، مقبول درگاه پادشاه گردیدند.» (صفا، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۲۴).

آنچه پذیرفتنی است، عطار به دلیل شغل پزشکی که داشت از این طریق با گونه‌های مختلف آدمیان از نظر روانی برخورد داشت؛ پس می‌توان گفت: عطار بیش از همه روان شناس خوبی بود و برای همین در داستان‌هایش گونه‌های روانی نمود پیدا می‌کند.

نگارنده اشعاری را انتخاب کرده که از زبان پرندگان می‌باشد و در آن شخصیت روانی فردیت (من) از دیدگاه یونگ ظاهر شده است.

۱. هدهد

در حقیقت، آن طور که از پیش گفته شد، پرندگان در انجمنی، خواهان انتخاب پادشاهی برای خود هستند تا اقلیم شان را از بی نظمی نجات دهند. در این میان، هدهد بی قرار ظاهر می‌شود. هدهد به وصف خود می‌پردازد:

گفت ای مرغان منم بی هیچ ریب هم برید حضرت و هم پیک غیب

هم ز فطنست صاحب اسرار آمدم	هم ز حضرت خبـردار آمدم
دور نبود گـر بسی اسرار یافت	آنک بسـم الله در منقـار یافت
دور نبود گـر بسی اسرار یافت	می‌گذاردم در غـم خود روزگار
هیچ کس را نیست با <u>مین</u> هیچ کار	می‌گذاردم در غـم خود روزگار
خلق آزادند از <u>مین</u> نیز هم	چون <u>مین</u> آزادم از خلقان، لاجرم

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۳۹)

۲. بلبل

در واقع، «بلبل نماد و رمزی است برای عاشقان، شاعران، نوازندگان و شاید پیامبران و موسیقی دانان جهان.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۱). اما بلبل به همراه پرندگان دیگر دلایلی ذکر می‌کند که مانع ادامه‌ی سفرشان بشود؛

طاقست سیمـرغ نـارد بلبلـی	بلبلـی را بسـ بود عشق گلـی
چون بود صد برگ دلدار <u>مرا</u>	کی بود بی برگی کار <u>مرا</u>
گل که حالی بشکفد چون دلکشی	از همه در روی <u>مین</u> خندد خوشی

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۸۸)

۳. طاووس

طاووس در این مرحله «جبرئیل مرغان است که مار زشت با او همراه شده و از بهشت او بیرون رانده اند با این همه او عاشق بهشت است و به بهشت راضی است و سیمرغ را نمی‌خواهد.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۴۱).

گرچه <u>مین</u> جبرئیل مرغانم و لیک	رفت بر <u>مین</u> از قضا کاری نه نیک
یار شد با <u>مین</u> به یک جا مار زشت	تا بیفـتادم به خواری از بهشت
چون بدل کردند خلوت جای <u>مین</u>	تخت بند پای <u>مین</u> شد پای <u>مین</u>

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۶۹)

۴. طوطی

درباره‌ی ویژگی طوطی باید گفت: «طوطی خضر مرغان است و در زندان این جهانی در کار آب غرق شده و به آب عشق می‌ورزد. گویی، طوطی نماد و رمزی برای زاهدان و مردم پارسایی است که به خاطر بهشت عبادت می‌کنند.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۴۱). در حقیقت، طوطی چون خود را همیشه در زندان قفس تجسم می‌کند از ادامه‌ی سفر سرباز می‌زند و از زبان خویشتن می‌گوید تاب و توان روبرویی با سیمرغ را ندارم:

<u>مین</u> در این زندان آهن مانده باز	ز آرزوی آب خضـرم در گـداز
خضـر مرغانم از آنـم سبـز پوش	بوک دانـم کـردن آب خضـر نوش
<u>مین</u> نیارم در بر سیمـرغ تاب	بس بود از چشمـه‌ی خضـرم یک آب

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۶۸)

۵. بَط (مرغابی)

شایان ذکر است: «بط یا مرغابی، اصل عالم را بر آب می‌داند و همیشه به غسل و وضو مشغول است و برای او شناوری در آب کافی است و پروای سیمرغ ندارد.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۴۱).
می‌سراید:

گفت در هر دو جهان ندهد خبر
کرده ام هر لحظه غسلی بر صواب
همچو مین بر آب چون استدی یکی
زاهد مرغبان مینم با رأی پاک
مین نیامیم در جهان بی آب سود
کس ز مین یک پاک رو تر پاک تر
پس سجاده باز افکنده بر آب
نیست باقی در کراماتم شکی
دایم هم جامه و هم جای پاک
ز آنک زاد و بود مین در آن بود

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۷۰)

۶. کوف

«پرنده ای است به شومی و نحسی مشهور است و همچنین آن را بوم و جغد نیز گویند.» (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ج ۳، ۱۷۳۱-۱۷۳۲).

عطار درباره‌ی فرایند فردیت کوف می‌سراید:

عاجزیم در خرابی زاده مین
گرچه معموری بسی خوش یافتم
هر کس در جمعیتی خواهد نشست
در خرابی می‌روم بی باده مین
هم مخالف هم مشوش یافتم
در خرابی بایبش رفتن چو مست

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۷۷)

۷. کبک

کبک نمادی از مردم زردوست و پول پرست که محل اقامتش کان (معدن)، برای یافتن زر است.

گفت مین پیوسته در کان گشته ام
بوده ام پیوسته با تیغ و کمر
بسر سر گوهر فراوان گشته ام
تا توام بود سرهنگ کهر
عشق گوهر آتشی زد در دلم
بس بود این آتش خوش حاصلم

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۷۱)

۸. همای

«همای نمادی است برای شاهان و بزرگان هر دو عالم صورت و معنا، در فهرست مرغان دوازده گانه نیست.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۴۲). برهان قاطع این پرنده را اینطور معرفی می‌کند: «مرغی است مشهور و معروف که استخوان می‌خورد.» (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ج ۴، ۲۳۶۵).

گفت ای پرنندگان بحر و بر
مین نییم مرغی چو مرغبان دگر

همست عالمیم در کنار آمدست
نقشش سگ را خوار دارم لاجرم
پادشاهان سایه پرورد مین اند
نقشش سگ را استخوانی می‌دهم
نقشش را چون استخوان دادم مدام
عزالت از خلقم پدیدار آمدست
عزت از مین یافت افریدون و جم
بس گدای طبع نی مرد مین اند
روح را زین سگ آمانی می‌دهم
جان مین زان یافت این عالی مقام

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۷۳)

۹. بوتیمار

«نام مرغی است که او را غم‌خورک نیز گویند؛ و او پیوسته کنار آب نشیند و از غم آن که مبادا آب کم شود با وجود تشنگی آب نخورد.» (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ج ۱، ۳۱۳).
می‌سراید:

بر لب دریاست خوشتر جای من
از کم آزاری من هرگز دمی
بر لب دریا نشینم دردمند
نشود هرگز کسی آوای من
کس نی‌آزارد ز من در عالمی
دایم ما اندوهگین و مستمند

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۷۶)

۱۰. صعوه

«نوعی گنجشک کوچک است، نماد مردم ناتوان و عبادت‌پیشه است که در گوشه‌ای چون یعقوب نشسته در فراق یوسف می‌نالد.» (ثروتیان، ۱۳۸۴: ۴۳).
عطار درباره‌ی آن می‌سراید:

گفت مین حیران و فرتوت آمدم
همچو موسی بازو و زوریم نیست
مین نه پر دارم نه پانه هیچ نیز
پیش او این مرغ عاجز کی رسد
در جهان او را طلب کاران بسیست
در وصال او چو نتوانم رسید
بی دل و بی قوت و قوت آمدم
وز ضعیفی قوت موریم نیست
کی رسم در گرد سیمرغ عزیز
صعوه در سیمرغ هرگز کی رسد
وصل او کی لایق چون مین کیست
بر محالی راه نتوانم برسد

(منطق الطیر، ۱۳۸۲: ۲۷۸-۲۷۹)

۱۱. سیمرغ

در ایران باستان سیمرغ را سیرنگ نام نهادند هر چند سیمرغ نام حکیمی بوده مرتاض به در کوه البرز مسکن داشته و با مردم آمیزش نداشته است.
عبدالباسط جبلی گفته:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا
زین هر دو نام مانند سیمرغ و کیمیا

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، تلاش بر نشان دادن نماد و سمبل فردیت (من) بر اساس روانشناسی یونگ در ابیات منطق الطیر می‌باشد. ضمیر اول شخص من را مشخص می‌کند؛ من نمادی از فردیت پرنده‌ها در داستان منطق الطیر می‌باشد. همانطور که پیش از این گفته شد: یونگ روان آدمی را به دو بخش خودآگاهی و ناخودآگاهی تقسیم می‌کند و همه ساز و کارهایی را که آگاهانه در آدمی به سرانجام می‌رسد، خودآگاهی می‌نامد؛ یعنی سوی روشن روان و پیوندی که آدمی با کانونی در خویشتن به نام «من» دارد. ناخودآگاهی نیز آن سوی تاریک و ترسناک در روان انسان را در برمی‌گیرد که از محدوده آگاهی او خارج است. آنچه پذیرفتنی است: عطار با شخصیت پرداززی پیر طریقت به عنوان مرشد و رهبر در چهره‌ی هدهد، توانست به هدهد صورت اسطوره ای ببخشد، هدهد عارف و همینطور پیر فرزانه ای که مرید خود را می‌پروراند و با توجه به رشد روحی و روانی فرد را به کمال می‌رساند. هر کدام از مرغان می‌تواند نماد تک تک آدم‌های این کره‌ی خاکی باشد. و هرکدام از پرنده‌ها نشان دهنده نماد و رمز و رازی می‌باشد. مانند بلبل نمادی است برای عاشقان، طاووس نماد کسی که به بهشت راضی است و نیازی به سیمرغ ندارد، طوطی نماد و رمزی است برای زاهدان و پارسایان که شاید به خاطر بهشت عبادت می‌کنند، بط همیشه شناور که پروایی از سیمرغ ندارد، کوف (جغد) همیشه در ادبیات فارسی به شومی و نحسی شهرت دارد و هرجا بشیند باعث ویرانی و خرابی آن سرزمین و خانه می‌شود. کبک هم نمادی از آدم‌های زردوست و مال پرست است، همای هم نماد شاهان و بزرگان است، بوتیمار هم نماد افرادی است که پیوسته در حال غم خوردن و زاری هست، سرانجام صعوه که نشان دهنده افراد ناتوان می‌باشد.

فهرست منابع:

۱. محمد جواد مشکور (۱۳۵۳)؛ کتاب منطق الطیر
۲. امینی، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ «تحلیل اسطوره‌ی قهرمان در داستان ضحاک و فریدون بر اساس نظریه یونگ»، ش ۳۴، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، صص ۵۳-۶۴
۳. بیلکسر، ریچارد (۱۳۸۷)؛ اندیشه یونگ، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آشیان.
۴. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶)؛ رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۵. _____ (۱۳۸۸)؛ «عالم مُثُل افلاطون، ناخودآگاه جمعی یونگ و عالم دل مولوی»؛ پژوهش نامه فرهنگ و ادب، ش ۱ (۹): صص ۵۲-۶۸.
۶. ترقی، گلی (۱۳۸۷)؛ بزرگ بانوی هستی (اسطوره - نماد - صورت ازلی) با مروری بر اشعار فروغ فرخزاد، تهران: نشر نیلوفر.
۷. ثروتیان، بهروز (۱۳۸۴)؛ شرح راز منطق الطیر عطار، تهران: نشر امیرکبیر.
۸. خلف تبریزی، محمد حسین، (۱۳۴۲)؛ برهان قاطع، به کوشش محمد معین، ۵ جلدی، چ دوم، تهران: نشر ابن سینا.
۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳)؛ تاریخ ادبیات ایران، جلد ۱، تهران: انتشارات ققنوس
۱۰. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۷۸)؛ منطق الطیر (مقامات طیور)، به کوشش سید صادق گوهرین، تهران: نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۸۳)؛ منطق الطیر (مقامات طیور)، به کوشش، مقدمه و تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۸۲)؛ خسرو نامه، به کوشش و مقدمه فرشید اقبال، تهران: نشر موسسه فرهنگی اندیشه در گستر
۱۳. عقیقی، رحیم (۱۳۹۱)؛ فرهنگ‌نامه‌ی شعری (براساس شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری)، ۳ جلدی، تهران: نشر سروش.
۱۴. فدایی، فرید (۱۳۸۷)؛ کارل گوستاو یونگ بنیان گذار روان شناسی تحلیلی، تهران: نشر دانژه
۱۵. فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۷۵)؛ «نقد و تحلیل منطق الطیر»، شماره ۷۳، ۷۴ و ۷۵، تهران: مجله کِلک، صص ۲۹۹-۳۰۲.
۱۶. ۱۵- فوردهام، فریدا (۱۳۷۴)؛ مقدمه ای بر روان شناسی یونگ، ترجمه‌ی حسین یعقوب پور، چاپ اول، تهران: نشر اوجا.
۱۷. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۶)، رویا، حماسه، اسطوره، تهران: نشر مرکز.

۱۸. هال، کالوین اس. و رنون جی نوردبای(۱۳۷۵)؛ مبانی روان شناسی تحلیلی یونگ، ترجمه محمد حسین مقبل، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

۱۹. یاحقی، محمد جعفر . قائمی، فرزاد(۱۳۸۶)؛ «نقد اساطیری شخصیت جمشید از منظر اوستا و شاهنامه»، نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، ش ۲۱(پیاپی ۱۸): صص ۲۷۴-۳۰۵.

۲۰. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۶۸)؛ چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.